

اقدامات مداخله جویانه آمریکا در ایران

شاید یکی از سوالات اصلی و کلیدی این روزهای نسل جوان کشور ما این باشد که چرا علی‌رغم گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و اظهار تمایل دولت‌مردان آمریکا به روابط با جمهوری اسلامی ایران، مردم ایران هنوز با همان شور و اشتیاق ابتدای پیروزی، عمق نفرت و کینه خود را نسبت به آمریکا نشان می‌دهند و حاضر نیستند دولت‌مردان آنها گام در مسیری بگذارند که ختم به سازش گردد؟

پاسخ به این سؤال منوط به مروری هر چند اجمالی از مشکلات و مصائبی است که ایالات متحده آمریکا چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر سر این ملت بزرگ آورده است.

اقدامات مداخله جویانه آمریکا قبل از انقلاب اسلامی؛ به طور کلی هدف اصلی اقدامات مداخله جویانه

آمریکا قبل از انقلاب اسلامی، حمایت از تداوم حیات رژیم دیکتاتوری شاه بود که می‌توان به مواردی از آنها به صورت زیر اشاره کرد:

• **طراحی و مشارکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲:** در اوائل دهه ۱۳۳۰ شمسی با آغاز مبارزات ضداستعماری و

ضداستبدادی مردم مسلمان ایران با رهبری آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و شروع جریان ملی شدن صنعت نفت نوعی همراهی و همسویی بین بریتانیا با رهبری وینستون چرچیل و آمریکا با ریاست جمهوری آیزنهاور شکل گرفت. آمریکایی‌ها مدعی بودند که مامشات در مقابل دولت مصدق در نهایت به پیروزی حزب توده و فروافتادن ایران در دامان اتحاد جماهیری شوروی منجر خواهد شد. در نتیجه آمریکا از ایده سرنگونی مصدق و بازگشت شاه که در پی تظاهرات مردمی از کشور فرار کرده بود، حمایت و با بریتانیا همراهی کرد. لذا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اولین تجربه سازمان سیا در سرنگونی یک دولت خارجی به شمار می‌آید. این عملیات با هدایت کرمیت روزولت مامور مخفی سیا به نام عملیات آژاکس به مرحله اجرا گذاشته شد. روزولت در کتاب خود که در دهه ۱۹۷۰ به چاپ رساند، نوشت: «محمد رضا شاه

پس از بازگشت از تبعید در کاخ مرمر به وی گفت که سلطنتش را بعد از خدا به آمریکا و شخص روزولت مدیون است.»

در شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آرشیو امنیت ملی آمریکا اسنادی را منتشر کرد که ضمن نشان دادن نقش سازمان سیا در رهبری اقدام فوق، آن را بخشی از فعالیت سیاست خارجی آمریکا به شمار آورد. همچنین در ۱۸ مارس سال ۲۰۰۰ میلادی مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در سخنرانی خود به این نقش کشورش چنین اعتراف کرد: «در سال ۱۹۵۳ آمریکا نقش موثری در ترتیب دادن براندازی نخست‌وزیر محبوب ایران، محمد مصدق داشت. دولت آیزنهاور معتقد بود که اقداماتش به دلایل استراتژیک موجه‌اند، ولی آن کودتا آشکارا باعث پسرفت سیر تکامل سیاسی ایران شد و تعجبی ندارد که هنوز بسیاری از ایرانیان از این دخالت آمریکا در امور داخلی آنان ناراحت‌اند. علاوه بر این در ربع قرن بعد از آن ایالات متحده و غرب پیوسته از رژیم شاه حمایت کردند. دولت شاه هرچند کارهای زیادی برای پیشرفت اقتصادی ایران انجام داد، ولی مخالفان خود را بی‌رحمانه سرکوب کرد.»

از آن تاریخ به بعد رژیم شاه در زیر چتر حمایت مستقیم آمریکا قرار گرفت و به عنوان ژاندارم منطقه، مأمور حفاظت و تامین منافع راهبردی آمریکا در منطقه شد. در هر صورت، کودتای ۲۸ مرداد تأثیر منفی مهمی بر روابط ایران و آمریکا گذاشته که هنوز آثار آن در روابط دو کشور کاملاً محسوس و مردم آن را فراموش نکرده‌اند.

. فروش تسلیحات نظامی در راستای تامین منافع آمریکا در منطقه: در دکترین دوستونی نیکسون، ایران به

عنوان بازوی نظامی این دکترین می‌بایستی نقش ژاندارمی منطقه را به عهده می‌گرفت؛ این امر مستلزم داشتن یک ارتش قوی با تجهیزات مدرن روز بود. از این رو، رژیم شاه هم‌زمان با افزایش قیمت جهانی نفت در صدد خرید تجهیزات نظامی از غرب به ویژه آمریکا برآمد. ارزش معاملات نظامی ایران و آمریکا در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ به رقمی بالغ بر ۱۶/۱ میلیارد دلار رسید و این به معنی این بود که امور نظامی ایران بیش از ۴۰ درصد بودجه کشور را به خود اختصاص می‌داد و بسیاری از شرکت‌های امریکایی آن

زمان، با کمک شاه و به هزینه جیب ملت ایران، از خطر ورشکستگی رهایی یافتند. و دردناک‌تر این که، این ارتش و تجهیزات آن برای تامین منافع آمریکا به کار می‌رفت.

روابط اطلاعاتی ایران و آمریکا: در این رابطه می‌توان به احداث و فعالیت هفت مرکز جمع‌آوری اطلاعات

سازمان سیا در نزدیکی مرز ایران و اتحاد جماهیر شوروی تا زمان انقلاب اسلامی اشاره کرد.

. تاسیس سازمان مخوف ساواک: پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و سرنگونی دولت دکتر مصدق، آمریکا،

فضا و شرایط را به‌منظور حضور و حاکمیت بلامانع خویش در ایران مساعد یافته و در صدد برآمد تا در

تمام شئون ایران دخالت کرده و ایران را به عنوان پایگاه اصلی خود در منطقه قرار دهد. الزامات این کار

را در درجه اول به ایجاد دستگاه ضداطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه دوم به تأسیس سازمان امنیت

کشور منوط کرد. لذا در سال ۱۳۳۵ شمسی [۱۹۵۷] سازمان سیا طرح و چارچوب تشکیلاتی یک سازمان

جدید اطلاعاتی را به شاه داد و خود در تأسیس و سازمان دادن آن مشارکت کرد. این تشکیلات که به نام

سازمان اطلاعات و امنیت کشور نامیده می‌شد به زودی به نام مخفف آن، یعنی ساواک شهرت یافت و

مأموران آن تحت آموزش و تعلیم موساد و سیا در آمدند. این سازمان مخوف از روز شکل‌گیری تا زمان

انحلال، غیرانسانی‌ترین شکنجه‌ها را بر انقلابیون اعمال می‌نمود و به منظور بقای رژیم دیکتاتوری پهلوی،

مردم را با شدیدترین وضع سرکوب می‌کرد.

تحقیر ملت ایران با تصویب لایحه کاپیتولاسیون: لایحه ننگین کاپیتولاسیون در راستای حضور گسترده و نفوذ

همه جانبه آمریکایی‌ها بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در همه شریان‌های حیاتی ملت ایران، و با

درخواست و فشار کاخ سفید در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ توسط دولت ایران و سپس در مجلس شورای ملی به

تصویب رسید. به موجب این قانون تمامی مستشاران آمریکایی در صورت ارتکاب هر جرم، فساد و

جنایتی، مصون از دستگیری و مجازات در ایران بودند. تصویب این قانون تحقیرآمیز باعث شد تا حضرت

امام خمینی(ره) در ۴ آبان ۱۳۴۳ شخص شاه را مورد حمله مستقیم قرار دهد. همین سخنرانی و اعتراض

امام خمینی(ره) منجر به دستگیری و تبعید وی به خارج از کشور گردید.

عملکردهای سلطه‌طلبانه آمریکا در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

نقش آمریکا در جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی: با شروع نهضت انقلابی در ایران دولت ایالات متحده

آمریکا چندین ما قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ در بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌های متعدد، بر حمایت کاخ سفید از رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه پهلوی تاکید داشت و حتی با تشدید حرکت‌های انقلابی در ایران، جلسه کمیته ویژه برای بررسی مسائل ایران در کاخ سفید تشکیل داد. در تاریخ ۱۳۵۷/۰۹/۰۸ جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه‌اش با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از شاه ایران اعلام داشتند و ضمن ابراز همدردی اظهار اطمینان کردند که ایران از بحران‌های سیاسی خشونت‌آمیز به سلامت خواهد گذشت. جیمی کارتر در ملاقات با فرزند شاه ضمن تاکید بر حمایت آمریکا از شاه، ابراز امیدواری کرد که تظاهرات خشونت‌آمیز مخالفان و اعتصاب در نواحی نفت خیز کشور هر چه زودتر خاتمه یابد. وی در این دیدار گفت: «دوستی و اتحاد با ایران، یکی از مبانی مهمی است که سیاست خارجی آمریکا به طور اعم بر روی آن پایه گذاری شده است». (اطلاعات ۱۳۵۷/۰۸/۱۰ و ۱۳۵۷/۰۸/۱۱) سایروس ونس، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در ایران، شاه را به عنوان متحدی بسیار صمیمی و گرانقدر مورد ستایش قرار داد و خواستار پایان یافتن ناآرامی‌های ایران شد. وی گفت: «ما کاملاً از تلاش‌های شاهنشاه به منظور اعاده نظم... جانبداری می‌کنیم». (اطلاعات ۱۳۵۷/۰۸/۱۳) کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، نیز در یک مصاحبه گفت که به شاه اعتماد دارد و از وی در مبارزه با مخالفین حمایت می‌کند. (هفت هزار روز، جلد دوم، ص ۱۰۱۵).

دولت آمریکا حتی بعد از فرار شاه در دی‌ماه سال ۱۳۵۷ حاضر نشد، به حقانیت انقلاب مردم ایران اعتراف کند و تن به خواست ملت ایران بدهد لذا همچنان از شاپور بختیار که شاه آن را بعنوان رئیس دولت قرار داده بود، در مقابل مخالفت شدید مردم ایران از او حمایت می‌کرد، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای ضمن اعلام همکاری کامل ایالات متحده با دولت بختیار گفت: «ما مایلیم با دولتی که در

ایران در چارچوب قانون اساسی، یعنی مشروطه سلطنتی تشکیل می‌شود همکاری کنیم. ما آنچه را مردم ایران انجام می‌دهند یا نمی‌دهند، مورد ارزیابی قرار نخواهیم داد... ثبات اوضاع، استقلال و تحول سیاسی و اقتصادی منظم ایران، یگانه هدف آمریکا است...» (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۰/۱۷)

امریکایی‌ها برای کنترل کامل اوضاع و در صورت لزوم برای سرکوبی فراگیر انقلابیون و مردم بپا خاسته از جور ظلم و ستم دیکتاتوری با اعزام ژنرال هایزر به ایران برنامه کودتا را طراحی کردند. در این رابطه هادینگ کارتر، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه آمریکا با اعلام پشتیبانی کامل ایالات متحده از کابینه جدید ایران اعلام کرد که «رابرت هایزر، معاون فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا، چند روزی پیش از وقت تعیین شده قبلی در ایران اقامت خواهد کرد تا بتواند با رهبران نظامی ایران بیشتر گفت‌وگو کند... هایزر به عنوان نماینده دولت آمریکا با چند نفری از فرماندهان ارتش ایران به گفت‌وگو نشست و به آنان توصیه کرده است که از دولت بختیار پشتیبانی کند...» او در توجیه کودتای احتمالی آینده می‌گوید: «این عمل، مداخله آمریکا در امور ایران نمی‌تواند به حساب آید... این امر که توصیه شود از قانون اساسی ایران حمایت شود، امری کاملاً عادی است. به عکس اگر سرنگونی حکومت موجود توصیه می‌شد، آن وقت مداخله بود.» (اطلاعات ۱۳۵۷/۱۰/۱۹)

. سفارت آمریکا در تهران مرکز مدیریت و هدایت نیروهای برانداز و ضد انقلاب: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ و اخراج مستشاران نظامی و غیر نظامی آمریکا که در واقع نقش آنتن‌های اطلاعاتی را برای سازمان سیا بازی می‌کردند، ایالات متحده فعالیت‌های جاسوسی‌اش را که از درون سفارت رهبری و هدایت می‌شدند، به شدت افزایش داد تا خلاء ناشی از خروج مستشاران را جبران کند. افسران سازمان سیا (CIA) با استفاده از شرایط نابسامان بعد از انقلاب و درهم ریختگی و نامشخص بودن حوزه مسئولیت‌ها که نتیجه طبیعی هر انقلابی است، سعی کردند تا با نفوذ در مناطق کلیدی و حساس انقلاب اسلامی از تعمیق و گسترش هر چه بیشتر آن جلوگیری نمایند. لانه جاسوسی آمریکا با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در پی آن بود تا با بحران آفرینی، تضعیف نیروهای اصیل انقلاب و جایگاه و شخصیت حضرت امام خمینی(ره) و همچنین ایجاد گسست و شکاف میان رهبری و نسل جوان،

فعال‌ترین و انقلابی‌ترین نیروی اجتماع را از رهبری دور کند تا بتواند با تاثیر بر آنها و نفوذ در ارتش، حرکت انقلابی مردم ایران را آسیب‌پذیر نماید.

از طرفی سفارت آمریکا مسئول انحراف افکار عمومی از خطرات شیطان بزرگ در ایران نیز بود. به همین دلایل مسئولین سفارت آمریکا در پی آن بودند تا با برقراری ارتباط با مسئولین دولت موقت راه رسیدن به اهدافشان را تسهیل کنند. دولت آمریکا در پی آن بود تا با ایجاد ائتلافی از لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های دینی‌میان‌رو، سکولارها، ملی‌گرایان و سران ارتشی متمایل به غرب تحت لوای دولت موقت موجبات حذف تدریجی نیروهای وفادار به امام را از صحنه سیاسی کشور فراهم نماید؛ به همین دلیل وزارت خارجه آمریکا مأموریت اصلی سفارت خود در ایران را تلاش برای هماهنگی فعالیت‌های نیروهای لیبرال و میان‌روهای مذهبی و پیوند دادن آنها با عناصر ملی‌گرا و سلطنت‌طلبان و طرفداران رژیم سابق علیه انقلابیون مذهبی قرار داده بود. البته با تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام، این مرکز توطئه تعطیل و اقدامات جاسوسی آمریکایی‌ها تا حدود زیادی عقیم ماند. از این روست که حضرت امام(ره) از آن به انقلاب دوم تعبیر می‌کند.

. تجاوز نظامی به خاک جمهوری اسلامی ایران در ماجرای طبس: در پی ناکامی دولت ایالات متحده آمریکا در

اعمال فشار سیاسی و اقتصادی برای آزادی جاسوسان آمریکایی در تهران که در ماجرای تصرف لانه جاسوسی(سفارت آمریکا) بازداشت شده بودند، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دستور انجام عملیات آزادسازی را صادر کرد. از این رو یگان ویژه دلتا فورس نیروهای مسلح آمریکا، در اردیبهشت ۱۳۵۹، مأموریت پیدا کردند با تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران جاسوسان آمریکایی را در یک عملیات کماندویی آزاد کرده و به آمریکا بازگردانند. اما امدادهای غیبی از طریق طوفان شن در صحرای طبس به یاری مردم مسلمان و انقلابی ایران آمد و نیروهای آمریکایی را دچار حادثه کرد. در این حادثه ۸ نفر از نیروهای آمریکایی در آتش سوخته و باقیمانده نیروها به دستور جیمی کارتر برگشتند و بدین ترتیب عملیات نظامی آمریکا در این ماجرا به طور کامل شکست می‌خورد.

جنگ کم شدت با حمایت و تجهیز ضدانقلابیون و ایجاد بلوا و شورش‌های داخلی: با پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران، دست‌اندازی آمریکایی‌ها به سفره رنگارنگ ثروت‌های این سرزمین نیز به پایان رسید، اما آنها تلاش کردند عقده‌های فروخورده ناشی از رانده‌شدن از ایران را با خصومت آشکار با ملت و نظام جمهوری اسلامی جبران کنند. این عقده‌گشایی با تشکیل و حمایت گروه‌های تجزیه طلب، تروریستی و ضد انقلاب برای نابودی دستاوردهای انقلاب اسلامی آغاز گردید. اکثر این گروهک‌ها با حمایت‌های آمریکا و متحدین اروپایی و منطقه‌ای آن تشکیل و یا تجهیز شدند. شورش‌های دهه ۶۰ این گروهک‌های تجزیه طلب در کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، بلوچستان نمونه بارز آن است. اقدامات سازمان منافقین (مجاهدین خلق) در ایجاد جنگ داخلی و ترور مسئولین نظام و شهروندان عادی با حمایت فرانسه، آمریکا، رژیم صهیونیستی و حکومت بعث عراق انجام می‌گرفت. هم اکنون که چهره واقعی و ضد مردمی و تروریستی این گروهک‌ها برای همه دنیا آشکار است، همچنان از طرف آمریکا و کشورهای غربی و توسط برخی از کشورهای منطقه حمایت و تحریک می‌شوند. افزون بر این، با وجود گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا همچنان به حمایت خود از گروهک‌های تروریستی و برانداز ادامه داده است. یکی از نمونه‌های بسیار خشن و غیر انسانی آن، حمایت از گروهک جنرالشیطان ریگی بود. عبدالمالک ریگی سرکرده این گروهک تروریستی، پس از دستگیری از روابط خود با آمریکایی‌ها این گونه پرده برداشت: «افراد آمریکایی و یا اسرائیلی در پوشش ناتو با ما مذاکره می‌کردند و لیستی از افراد را برای ترور به ما می‌دادند؛ همه اصرار مذاکره‌کنندگان بر این بود که جنرال الله عملیات را از منطقه مرزی و بلوچستان به پایتخت کشور، یعنی تهران منتقل کند».

ترغیب و تجهیز صدام در حمله به ایران و تحمیل ۸ سال جنگ: بسیاری از محققین معتقدند که ایجاد یک جنگ

تمام عیار در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در دستور کار سردمداران آمریکا و غرب قرار گرفت و آنها با تحریک صدام حسین برای حمله به ایران توانستند بیش از پیش نیت خود را عملی کنند. آنها حتی فروش سلاح‌ها و ابزارآلات جنگی خود را به صدام یک معامله دو سر برد می‌دانستند، چرا که اگر عراق می‌توانست ایران را شکست دهد، غرب و ایالات متحده از شر یک حکومت مذهبی در ایران که

کراراً آنها را به چالش می‌کشد، راحت می‌شدند؛ اگر هم نتیجه چیزی به جز پیروزی صدام رقم می‌خورد، باز هم امریکا چیزی را از دست نمی‌داد، چرا که سود کلانی از فروش تسلیحات جنگی به جیب زده بود.

. جنگ نرم و راه اندازی انقلاب مخملی در ایران: «انقلاب رنگی» شیوه‌ای از تغییر حکومت بدون خشونت و

کشتار است که از طریق اعتراض‌های مدنی و یا تحصن‌های گسترده انجام می‌شود. در اواسط دهه ۱۳۸۰، اندیشه عملیاتی کردن یک انقلاب رنگی در ایران در ذهن طراحان آمریکایی همچون؛ موسسه جورج سوروس با همراهی اپوزیسیون داخل و خارج کشور شکل گرفت. آنان که می‌دانستند در جامعه ایرانی از حمایت اکثریت برخوردار نیستند، تصمیم گرفتند با ایجاد یک جنبش اجتماعی حداقلی اما فعال، از فرصت و فضای انتخاباتی کشور برای سرنگونی کل نظام سیاسی استفاده نمایند. اما طراحی و سازماندهی چنین برنامه‌ای نیاز به زمان معتنا بهی داشت و از همین رو بود که هنوز عمر دولت خاتمی به پایان نرسیده بود که، تلاش‌های طیف اپوزیسیون برانداز در این راستا آغاز شد. اولین اقدامی که می‌بایست انجام می‌شد، مطالعه بر روی انقلاب‌های رنگی در اقمار شوروی سابق با هدف استخراج یک الگوی کارآمد برای پیاده سازی در جامعه ایران بود که طیف دانشگاهی جریان اپوزیسیون مأموریت این مهم را به عهده گرفت.

روزنامه فایننشال تایمز در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵ طی مقاله‌ای به قلم «گای دینمور» فاش کرد که نومحافظه‌کارهای آمریکایی از گروه جدیدی از اپوزیسیون ایرانی در مهاجرت به نام «اتحاد برای دموکراسی در ایران» حمایت می‌کند «که قرار است در مقابل دریافت پول از مالیات دهندگان آمریکایی، کار برقراری دموکراسی در ایران را جلو بیندازند. هدف این گروه برقراری رفرااندوم برای تغییر رژیم در ایران است.» (www.ft.com) در هر صورت اقدام عملی چنین رویکردی را ملت مسلمان ایران در جریان واقعه کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ و در جریان فتنه سال ۱۳۸۸ مشاهده کردند، که البته هر دو فتنه با هوشمندی و درایت رهبر فرزانه انقلاب و حمایت مردم مسلمان ایران خنثی و طراحان آن رسوا شدند.

البته دیگر موارد اقدامات سلطه طلبانه و تجاوزکارانه آمریکا در ایران را می توان به شرح زیر فهرست

کرد که به دلیل اطلاع کلام از توضیح آنها صرف نظر خواهیم کرد.

. ورود مستقیم در جنگ در راستای حمایت از رژیم بعث و جلوگیری از شکست صدام با درگیری در خلیج

فارس با نیروی دریایی ایران و حمله به هواپیمای مسافری

. بلوکه کردن میلیاردها دلار از سرمایه های ایران بدون دلایل حقوقی

. اقدام به تخریب زیربنای صنعتی و هسته ای ایران با ارسال ویروس در شبکه های رایانه ای ایران مثل

پروژه استاکس نت

. ترور دانشمندان هسته ای با همکاری رژیم صهیونیستی

. هدف قراردادن هواپیمای مسافربری ایران با ۳۲۰ مسافر بی پناه و بی گناه در آسمان خلیج فارس و دادن

مدال افتخار به فرمانده ناو وینسنس مستقر در خلیج فارس برای این جنایت

. اعمال تحریم های ظالمانه یک جانبه و چند جانبه و... به بهانه های واهی